

جستاری در دگردیسی اسطوره آناهیتا در دوره اسلامی^۱

دکتر حامد صافی

استادیار گروه علوم پایه و دروس عمومی دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر

چکیده:

اسطوره‌ها بیان نمادینی از باورها و نوع نگاه انسان به جهان است که در طول زمان، قابلیت دگرگونی دارد. به بیانی دیگر، تغییر و تحولاتی که در جوامع بشری رخ می‌دهد، یک اسطوره را در معرض تحوّل و تغییر قرار می‌دهد. تغییر دین، صنعتی شدن جامعه و دست‌یابی انسان به دانش‌های نوین می‌تواند از مهمترین عوامل تغییر اسطوره به شمار رود. یکی از اساطیر ایرانی که در طول زمان دچار دگردیسی شده، اردوی‌سور آناهیتا است که به اختصار، آناهیتا و ناهید نیز نامیده می‌شود. ایزدانویی است که نامش نخستین بار در کتیبه‌های اردشیر دوم در همدان و شوش دیده شد. در این کتیبه، نام آناهیتا بدون فاصله پس از اهورامزدا و پیش از میترا (مهر) ذکر شده است. مسأله اصلی در این پژوهش، بررسی دگردیسی اسطوره آناهیتا و بازتولید آن در دوره اسلامی است. پیش از این پژوهش، پژوهشگران به صورت گذرا به این شباهت‌ها اشارات مختصری داشته‌اند. از جمله می‌توان به کتاب اسلام ایرانی اثر هانری کربن اشاره کرد. در پژوهش حاضر، تلاش شده است تا با روش کیفی و رویکرد توصیفی-تحلیلی، تحوّل و دگرگونی اسطوره آناهیتا بررسی شود. بر اساس نتایج این پژوهش، به دلیل همسانی برخی از ویژگی‌های آناهیتا با باورهای شیعیان، زمینه بازتولید این اسطوره ایرانی فراهم شده است.

واژگان کلیدی: اسطوره، آناهیتا، دوره اسلامی، رود، آب

^۱ - این مقاله مستخرج از نتایج طرح تحقیقاتی اجرا شده با شماره قرارداد ۱۷۷ مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۰۱ از محل اعتبارات ویژه پژوهشی دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر می‌باشد.

۱- مقدمه:

اسطوره‌ها به شیوه‌ای تمثیلی هستی را می‌کاوند و به گونه‌ای وهم‌انگیز، تخیلی و نمادین به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهند که چگونه چیزی پدید آمده، هستی دارد و از میان می‌رود. از سویی دیگر، اسطوره‌ها روایتی نمادین از فرشتگان، ایزدان، موجودات فراطبیعی و جهان‌شناسی یک قوم از هستی به شمار می‌روند.^۱ چنین به نظر می‌رسد که تحت تأثیر عواملی چون تغییر ادیان، صنعتی شدن جوامع و دست‌یابی بشر به دانش، اسطوره‌ها رنگ می‌بازند و از میان می‌روند؛ در حالی که هرگز اینچنین نیست. در سطح تجربه فردی، هیچ‌گاه اسطوره کاملاً از میان نمی‌رود و در قالب رؤیایا، خیال‌بافی‌ها و اشتیاق‌های نو به نمایش درمی‌آیند.^۲ به بیانی دیگر، اسطوره‌ها تغییر شکل داده، ادغام می‌شود و با مسائل تازه و نو تطبیق پیدا می‌کند و از طریق همین انطباق، به حیات خود ادامه می‌دهد.^۳ به نظر نورتوپ فرای، اسطوره‌ها در طول زمان دچار جایگشت می‌شوند. قانون اصلی جایگشت این است که آن چیزی که در اسطوره به صورت استعاره شناخته می‌شود، به شیوه‌ای تشبیه‌گونه یا تمثیل‌وار با پیوندی معنادار و تصویرسازی ضمنی همراه با آن مرتبط می‌گردد. برای نمونه، اگر در اسطوره با خدا-خورشید یا خدا-درخت روبرو هستیم، در رمانس^۴ با شخصی برخورد خواهیم کرد که به صورتی معنادار با خورشید یا درخت در ارتباط است.^۵ این جای‌گردانی اسطوره را می‌توان در شاهنامه فردوسی به عینه مشاهده کرد. فردوسی در شاهنامه از درون‌مایه‌های اساطیری بهره می‌جوید، اما نه با هدف تثبیت باورها که با رویکرد انتقال آنها. بنابراین ریشه‌های فرهنگی به جای خود فرهنگ، از طریق شاهنامه فردوسی انتقال می‌یابد.^۶ در این مورد می‌توان به طور مشخص به جمشید و کیومرث اشاره کرد که ابتدا از اساطیر مشترک هند و ایرانی به شمار می‌رفت، اما به مرور به عنوان یمه، نخستین انسان در هند، به صورت متفاوت و جداگانه در اساطیر ایرانی و هندی تغییر مسیر داد. در اساطیر ایرانی به پادشاهی قدرتمند و در اساطیر هندی به پادشاه مردگان تبدیل شد.^۷ با ورود اسلام به ایران، شخصیت اسطوره‌ای جم با سلیمان نبی که در فرهنگ سامیان قابل پیگیری بود، همسان‌انگاری شد.^۸ این همسان‌انگاری در واقع، مسیری برای بازتولید یک شخصیت اساطیری در فضایی فرهنگی تازه به شمار می‌رود. شخصیت کیومرث نیز در شاهنامه فردوسی، از جایگاه نیمه‌خدایی به نخستین پادشاه و آفریده‌ای کاملاً زمینی تبدیل شده است.^۹

۱- اسماعیل پور، اسوزه بیان نمادین، ۱۴

۲- الباده، اسطوره رؤیا راز، ۲۷

۳- رستگار فسایی، پیکرگردانی در اساطیر، ۲۵

۴- قصه‌هایی که بر اساس افسانه‌ها و اسطوره‌ها و مضامین ماورای طبیعی شکل گرفته و معمولاً از مضامین اسرارآمیز مایه دارد. معمولاً رمانس‌ها بر مبنای نبرد شوالیه‌ها با غول‌ها و جادوگران ساخته و پرداخته شده است (رضایی، ۱۳۸۲).

۵- Fry, " Archetapal Criticism: Theory of Myth", 133

۶- مختاریان، درآمدی بر ساختار اسطوره‌ای شاهنامه، ۲۴۰

۷- کریستین سن، نخستین انسان و نخستین شهریار، ۳۲۸

۸- ر.ک. مقدسی، البداء و التاریخ، ۱۴۲

۹- صافی و دیگران، « بررسی داستان کیومرث در شاهنامه و تواریخ عربی متأثر از سیرالملوک‌ها بر اساس فزون‌متنیت ژنت»، ۳۲

بر اساس آنچه گفته شد، نباید انتظار داشت که با ورود دین اسلام به ایران و شکل‌گیری فضای تازه فرهنگی، شالوده فکری و اندیشه ایرانی به کلی دگرگون شده و از میان رفته باشد. جهان ایرانی در دل امت اسلامی از همان آغاز، باید به منزله یک هویت یگانه، پیش و پس از اسلام، در نظر گرفته شود.^۱ همین پیوستگی فرهنگی ایران پیش و پس از اسلام، وجه تسمیه «اسلام ایرانی» است. در واقع، اسلام ایرانی، ماحصل قبول دینی تازه در محیطی سرشار از فرهنگ و تمدنی کهن است. محیطی که دین جدید اسلام را در میان منشوری از اساطیر باستانی خود نظاره می‌کرد؛^۲ به ویژه این که انتشار دین اسلام در جغرافیای ایران به صورت تدریجی بوده و هیچ مدرکی در دسترس نیست که انتشار یکباره دین اسلام در ایران را به اثبات برساند. دین زرتشتی با ورود اسلام به ایران، منزلت خود را از دست نداد و تا قرن چهارم هجری کماکان تأثیر خود را بر زندگی فرهنگی و اجتماعی ایرانیان حفظ کرده بود.^۳ یکی از برجسته‌ترین همسانی‌های باور ایرانیان پیش از اسلام با ایرانیان مسلمان را می‌توان در مقایسه آناهیتا، الهه آب و باروری، با بانو فاطمه زهرا، دختر پیامبر اسلام، جستجو کرد. باید توجه داشت که توجه به مادر و به طور کلی، زن، به عنوان موجودی که در زایایی و تداوم نسل انسان نقشی اساسی ایفا می‌کند، در فرهنگ همه ملت‌ها در قالب «ایزدبانو» مورد توجه بوده است. نقش بی‌بدیل این موجود را می‌توان از ریشه‌شناسی واژه «زن» تا جایگاه مهم آناهیتا جستجو کرد. به بیانی دیگر، در بیشتر تمدن‌های کهن، از جمله ایران، به دلیل اهمیت کشاورزی و نیز توجه به ادامه نسل، زن در نقش مادری، تأثیری انکارناشدنی در تجسم خدای باروری و حاصلخیزی ایفا کرده است. از سوی دیگر، در دین اسلام نیز، به جایگاه زن در جایگاه مادری و همسری، توجه ویژه‌ای شده که نمود اصلی آن را می‌توان در جایگاه بانوفاطمه زهرا به عنوان دختر پیامبر اسلام و انتصاب القابی مانند «سیده نساء العالمین»، «ام الائمه» و «ام النساء» واکاوی کرد. خطاب ایشان با عنوان «مادر آب» با تکیه بر احادیث مهریه معنوی حضرت زهرا و پررنگ جلوه دادن نقش ایشان در انتقال رسالت پیامبر به امامت امامان شیعه، به ویژه در تفکر شیعیان، حاکی از شأن بی‌بدیل فاطمه زهرا در میان مسلمانان شیعه مذهب دارد. در پژوهش حاضر تلاش خواهد شد تا ضمن معرفی اسطوره آناهیتا با روش توصیفی و تحلیلی به این پرسش پاسخ داده شود که مهمترین همسانی‌های اسطوره آناهیتا و بانوفاطمه زهرا چیست؟

۲- پیشینه پژوهش

عمدتاً در پژوهش‌هایی که درباره آناهیتا نگاشته شده، به مقایسه اسطوره آناهیتا با بانوفاطمه زهرا نیز اشاره‌ای شده است؛ برای نمونه، مهرداد بهار بر این باور است که پس از اینکه دین اسلام سرزمین ایران را فراگرفت، ایرانیان که ذهنی اساطیری داشتند، بسیاری از عقاید خود را درباره آناهیتا به حضرت فاطمه نسبت دادند.^۴ بنابراین، پرداختن به مسأله همسانی‌های آناهیتا و بانوفاطمه مسأله جدیدی به شمار نمی‌رود، اما اغلب پژوهشگران اشاره‌ای گذرا کرده و به تفصیل، به آن نپرداخته‌اند. تا کنون درباره دگرذیسی اسطوره آناهیتا پژوهش‌هایی صورت گرفته است که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- «پیوند آناهیتا و ایشتر بابلی» عنوان مقاله‌ای است که نویسندگان آن ضمن معرفی آناهیتا، به بررسی تأثیر ایشتر بابلی در شکل‌گیری و تحول شخصیت آناهیتا در اساطیر ایرانی پرداخته‌اند.^۵

^۱ - کرین، اسلام ایرانی، ۶۱

^۲ - محمدی ملایری، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، ۲۵۲

^۳ - محمدی ملایری، فرهنگ ایرانی و تأثیر آن در تمدن اسلام و عرب، ۲۹-۲۷.

^۴ - بهار، پژوهشی در اساطیر ایران، ۴۴۷

^۵ - معینی سام و خسروی، «پیوند آناهیتا و ایشتر بابلی»، ۳۱۹

۲- ستاری و خسروی^۱ در مقاله «بررسی خویشکاری‌های آناهیتا و سپندارمذ در اسطوره و پیوند آن با پیشینهٔ مادرسالاری»، ضمن پرداختن به پیشینهٔ مادرسالاری و چگونگی پیدایش ایزدبانوان در اساطیر ایرانی، خویشکاری‌های آناهیتا بررسی شده‌است.

۳- «نگاهی به بازتاب بنیان‌های کیش آناهیتا در داستان بیژن و منیژه» پژوهشی است که در آن، بنیان‌های کیش آناهیتا مانند حیات و زاینده‌گی، تقدس و برکت، سلطه و قدرت و... در داستان بیژن و منیژه شاهنامهٔ فردوسی بررسی شده‌است. بر اساس نتایج پژوهش مذکور، نقش منیژه بازنمایی عملکردهای آناهیتاست^۲. همان گونه که مشخص است پرداختن به همسانی‌های اسطورهٔ آناهیتا و بانوفاطمهٔ زهرا از زاویهٔ امکان بازتولید اسطوره در باورهای مذهبی، کم‌سابقه است. از این منظر، پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های پیشین تفاوتی اساسی دارد. بنابر آن چه در مقدمهٔ نوشتار حاضر آمد، اسطوره‌ها نمی‌میرند و نابود نمی‌شوند؛ بنابراین بررسی امکان بازتولید اسطورهٔ آناهیتا در باورهای مذهبی ایرانیان، از طریق مقایسهٔ آناهیتا و بانوفاطمهٔ زهرا، ضروری می‌نماید.

۳- بحث اصلی

۳-۱- بررسی واژهٔ آناهیتا

نام کامل این ایزدبانو که در گذر زمان به آناهیتا، آناهید و ناهید دگرگون شد، آردوی‌سور آناهیتا است. بخش نخست این نام، اردوی، را به معنای رطوبت،^۳ شایسته، کاردان-موفق، بخش دوم آن، سوری، به معنای نیرومند.^۴ دانسته شده‌است. آناهیتا در اوستایی از دو پارهٔ «an» (به معنای «نا، بی») و «ahita» به معنای آلوده و ناپاک ترکیب شده‌است. آناهیتا در اوستا برای چیزهای پاک و مردمان پاک‌دامن، به ویژه آب‌های پاک و بی‌آلایش به کار رفته‌است. از آن جایی که این واژه به شکل مؤنث بوده، با نام بانو خوانده می‌شده و نمایندهٔ زنان پاک هم بوده‌است.^۵ بنابراین معنای کامل آردوی‌سور آناهیتا را می‌توان نمناک (شایسته) نیرومند بی‌آلایش دانست همان گونه که از نام این ایزدبانو برمی‌آید، آناهیتا با آب و رود پیوندی ناگسستنی دارد؛ تا جایی که برخی «اردوی» را همان «سرسوتی» ایزدبانوی آب و رودی به همین نام می‌دانند که از هیمالیا به جانب غرب سرازیر می‌شود. ژاله آموزگار نیز «اردوی» را همان «سرسوتی» دانسته، اما سرسوتی را رودخانهٔ مقدسی در پنجاب کنونی معرفی کرده و بیان داشته که این واژه در ایران به هرختی مبدل شده که ناحیه‌ای پررود و نیز دریاچه‌ای در افغانستان بدین نام خوانده می‌شود. نینبرگ نیز آناهیتا را ایزدبانوی رود سیحون دانسته‌است.^۶

۳-۲- خویشکاری‌های آناهیتا

نام ایزدبانوی آناهیتا نخستین بار در کتیبه‌های اردشیر دوم در همدان و شوش دیده شد. در این کتیبه، نام آناهیتا بدون فاصله پس از اهورامزدا و پیش از میترا (مهر) ذکر شده‌است. این نکته نشان می‌دهد که آناهیتا جایگاه والایی داشته‌است. در دورهٔ پارتیان، آناهیتا در کنار اهورامزدا و مهر پرستش می‌شده‌است. به نظر می‌رسد که در این دوره، آناهیتا جایگاه بالاتری نسبت به دیگر ایزدان داشته‌است؛

^۱ - ستاری و خسروی، «بررسی خویشکاری‌های آناهیتا و سپندارمذ در اسطوره و پیوند آن با پیشینهٔ مادرسالاری»، ۷۵

^۲ - پاکدل، «نگاهی به بازتاب بنیان‌های کیش آناهیتا در داستان بیژن و منیژه»، ۱۵

^۳ - Boyce, A History of Zoroastrianism, 71- Bartolome, Altiranisches Worterbuch, 145

^۴ - Reichelt, Avesta Reader, 1580

^۵ - پورداد، آناهیتا پنجاه گفتار پورداد، ۱۷۳

^۶ - نینبرگ، دین‌های ایران باستان، ۲۷۶

تا جایی که همه معابد ایران به ناهید تعلق داشته است.^۱ او معبد بزرگی با گله‌های گاو موقوفه داشت. پرستش او در ارمنستان نیز رایج بود. موبدان ایرانی آتش را به عنوان موبدان او می‌شناسند.^۲

به نظر می‌رسد که پرستش ایزدبانوی آناهیتا یادگاری از جوامع نوسنگی باشد؛ چرا که دوران نوسنگی را می‌توان دوره فرمانروایی مادر به شمار آورد.^۳ آیین مادرسالاری را می‌توان از سواحل مدیترانه تا بین النهرین و دره سند و آریایی‌ها و سامی‌ها و انیرانی‌ها پیگیری کرد.^۴ در ناحیه نجد ایران با دره سند و بین النهرین ارتباط عمیق فرهنگی از دوران کهن شکل گرفت که تا دوره اسلامی نیز ادامه یافت. یکی از جلوه‌های این ارتباط فرهنگی پرستش ایزدبانوان است. در پهنه فرهنگی آسیای غربی، الهه مادر با نیروی خود، هم اساطیر وسیعی را گرد خود فراهم کرد، هم موضوع اصلی آداب و آیین‌های جوامع مادرسالارانه قرار گرفت. الهه مادر با نام‌های گوناگون در سراسر این منطقه شناخته می‌شد. پی‌نیکر، کیری‌ریشه و پرتی نام این الهه در منطقه عیلام بود. در بین النهرین ایشتر و در سوریه و ادبیات توراتی عشروث جلوه همین الهه مادر به شمار می‌رفت. الهه آب و باروری در دوران پدرسالاری از مقام خود تنزل یافت و در وجود قدسی دیگر به همسر خدای بزرگ تبدیل شد.^۵

به باور دومزیل^۶ صفت‌های نمناک، نیرومند و پاک که در نام این ایزدبانو نمود یافته، به کنش‌های باروری، جنگاوری و دینداری مرتبط است. این کنش‌ها در توصیفاتی که از آناهیتا در یشت‌ها به دست ما رسیده، به خوبی نمود یافته است. در یشت پنجم از آبان یشت، اهورا مزدا در کناره رود منگهودائیتی با هوم آمیخته به شیر، با برسَم، با پندار و گفتار و کردار نیک، آناهیتا را می‌ستاید.^۷ زردشت هم به همین سان آناهیتا را می‌ستاید. در همین یشت، آناهیتا فزاینده گله و رمه، فزاینده دارایی‌ها و گیتی و کشور است. او تخمه مردان را پاک می‌گرداند و زهدان زنان را از آلودگی می‌پالاید^۸ که بیانگر پاکی و بی‌آلایشی این ایزدبانو است. آناهیتا در بسیار فزه‌مندی، همچند همه آب‌های روی زمین بود. دارنده هزار دریاچه و هزار رود، هر یک به درازای چهل روز راه مرد چابک‌سوار، در کرانه هر یک از این دریاچه‌ها خانه‌ای با یکصد پنجره درخشان و یک‌هزار ستون خوش‌تراش [نمناکی].^۹

در بخش‌هایی از آبان یشت، آناهیتا ایزد جنگ و جنگاوری هم هست که نماینده صفت نیرومندی اوست. کی خسرو در کرانه دریاچه ژرف و پهناور در چیچست، صد اسب و هزار گاو و ده هزار گوسفند او را پیشکش آورد و از وی خواستار شد که ای اردی‌سور آناهیتا... مرا کامیابی ارزانی دار که من بزرگترین شهریار همه کشورها شوم که بر همه دیوان و مردمان دروند و جاودان و پریان و کوی‌ها و کرپ‌های ستمکار چیرگی یابم.^{۱۰} ای اردی‌سور آناهیتا از فراز ستارگان به سوی زمین اهوره‌آفرید بشتاب! به پایین روانه شو و دیگر

۱- الیاده، چشم انداز اسطوره، ۱۳.

۲- ویدن‌گرن، دین‌های ایران، ۱۱۹.

۳- ستاری، سیمای زن در فرهنگ ایران، ۷.

۴- سرکاراتی، سایه‌های شکار شده، ۳۳.

۵- بهار، پژوهشی در اساطیر ایران، ۳۹۴.

۶- دومزیل، اسطوره و حماسه در اندیشه ژرژ دومزیل، ۱۲۳.

۷- یشت پنجم، ۱۷-۱۹.

۸- یشت پنجم، ۱-۶.

۹- یشت پنجم، ۴-۳ و ۱۰۱-۱۰۲.

۱۰- یشت پنجم، ۵۱-۴۹.

باره بدین جا باز آی! فرمانروایان دلیر و بزرگان و بزرگ‌زادگان کشور باید تو را نیایش کنند. ارتشتاران-آن دلیران- برای دستیابی بر اسباج تکاور و برتری‌جویی در قر، باید از تو یاری خواهند.^۱

۳-۳-زمینه‌های دگردیسی اسطوره‌آناهیتا

با ورود دین اسلام به ایران، شرایط ویژه‌ای برای پیروان دین ایرانی به وجود آمد. از پیروان مزدیسنا با عنوان مجوس در قرآن یاد شده و اگرچه در کنار یهود و نصاری از آنها ذکری به میان آمده‌بود، چندان امیدواری به آنها داده نشده‌بود و همین مسأله سبب شد که پیروان دین مزدیسنی به اجتماع صبی‌ها که گروه دینی مورد تأیید مسلمانان بودند، دربیایند،^۲ اما باید توجه داشت که فرهنگ و باورهای ایرانیان، به یکباره دچار اضمحلال و نابودی نشد و به مرور زمان، ایرانیان به زندگی سابق خود برگشتند، به زبان‌ها و لهجه‌های خود سخن می‌گفتند، تاریخ و سرگذشت پهلوانان خود را می‌خواندند، به آداب و رسوم گذشته خود می‌پرداختند. برخی به دین پیشین خود باقی مانده و جزیه پرداخت می‌کردند و در انجام آداب و رسوم آیینی خود آزاد بودند. اسلام به صورت تدریجی در میان ایرانیان گسترش یافت و بسیاری از خاندان‌های ایرانی تا قرن چهارم هجری همچنان زردشتی ماندند و تأثیر بسیاری بر حیات فرهنگی ایرانیان داشتند.^۳ برای نمونه، صاحب احسن التقاسیم می‌نویسد که در قرون اولیه اسلامی، همه آداب و رسوم دین زردشتی در شیراز رواج داشت و در جشن‌ها به سنت زردشتی، بازارهای شهر را آذین می‌بستند.^۴ مردمی که مسلمان شده‌بودند، تنها شعائر دین سابق خود را به شعائر اسلامی تغییر داده‌بودند و سایر آداب و رسوم خود را که عرفیات می‌نامیدند، زنده نگاه‌داشتند. در واقع، شالوده و مایه‌های اصلی فرهنگ ایرانی باقی ماند و از نسلی به نسل دیگر منتقل شد. از سوی دیگر، پس از فتح ایران، اعراب مسلمان با گسترش پهنه حکومت اسلامی، دریافتند که اداره چنین تشکیلات بزرگی نیازمند راه و رسم مملکت‌داری ویژه‌ای است. این احساس نیاز، خود به خود، توجه مسلمانان را به ایرانیان معطوف کرد و اعراب از راهنمایی‌های آنان در تنظیم دولت اسلامی بهره بردند. تثبیت نظام مالیاتی دوره ساسانی و باقی ماندن دفاتر و دیوان‌های متعدد ایرانی و نیز استفاده از گاه‌شماری ایران برای تنظیم سال مالی در دستگاه خلافت، سبب ماندگاری و نفوذ بسیاری از آیین‌های ایرانی در بین اعراب مسلمان شد.^۵

نهضت شعوبیه یکی از عوامل اساسی در پایایی باورهای ایرانیان پیش از اسلام یا دگردیسی آن در دل باورهای اسلامی به شمار می‌رود. رفتارهای نژادپرستانه خلفای اموی و قبایل عرب در برابر نژادهای غیرعرب، به ویژه ایرانی، واکنش‌هایی را برانگیخت که حرکت نژادپرستانه شعوبیه یکی از مهمترین آن محسوب می‌شود. شعوبیه در آغاز به صورت نارضایتی‌های پراکنده، انتقاد و مساوات طلبی ظهور کرد و بر این باور تکیه کرد که میان ملت‌ها و طوایف، تفاضلی وجود ندارد و اگر فضیلتی باشد نسبت به تقوای افراد است که این گروه به نام «اهل تسویه» شناخته شده‌بودند، فعالیت‌های اهل تسویه از اواخر روزگار امویان آغاز و نهضت سیاسی ایرانیان نیز در اواخر همین دوره، آشکار شد.^۶ سقوط بنی‌امیه و روی کار آمدن دولت بنی‌عباس اهل تسویه را به مفاخره به نژاد و نسب خود کشاند و نام «شعوبیه» رسماً در اوایل عهد عباسی معمول و رایج شد. تعداد زیادی از موالی از هر قوم و نژادی به آن پیوستند و رهبری نهضت را ایرانی‌ها بر عهده گرفتند. چندی بعد هم برای توسعه نهضت خود، ضمن یادآوری تاریخ باستانی و مظاهر تمدنی و فرهنگ

۱- یشت پنجم، ۸۶-۸۵

۲- نیبرگ، دین‌های ایران باستان، ۱.

۳- محمدی ملایری، فرهنگ ایرانی و تأثیر آن در تمدن اسلام و عرب، ۲۸.

۴- مقدسی، البدء و التاریخ، ۴۲۹.

۵- محمدی ملایری، ادب و اخلاق در ایران پیش از اسلام، ۸.

۶- همایی، شعوبیه، ۶۳.

کهن ایران، خود را برتر و بالاتر از عرب دانستند. این حرکت، به مرور، بسیاری از ایرانیان را همراه خود ساخت و بسیاری از خانواده‌های ایرانی بودند که همزمان به اسلام گرویده بودند، مسیر شعوبی‌گری را طی می‌کردند و علاقه ملی در احیای باورهای ایرانی و آداب و رسوم دین ایرانی داشتند.

۳-۴- مهریه آب

بنا بر گواهی کتب تاریخی، حضرت فاطمه سلام الله علیها یکی از چهار دختر پیامبر اسلام ص بوده^۱ که با مهریه چهارصد و هشتاد درهمی^۲ یا چهارصد مثقال نقره یا زرهی شکسته^۳ با حضرت علی علیه السلام ازدواج کرد. بنا بر برخی از روایات، مهریه دیگری برای حضرت فاطمه سلام الله علیها ذکر شده و خداوند بخشی از دنیا یا تعدادی از رودهای جهان را به عنوان مهریه برای ایشان قرار داده است. برای نمونه، در روایتی منقول از امام صادق علیه السلام، رسول خدا در گفتگو با حضرت فاطمه، فرمود که خداوند مهریه او را یک پنجم دنیا قرار داده است. در این میان، آن چه بیشتر در افواه مانده، روایاتی است که به احادیث مهریه آب شهرت یافته است. خصیبی در روایتی، مهریه حضرت فاطمه سلام الله علیها را نیمی از بهشت، یک پنجم دنیا، یک پنجم غنائم و رودهای نیل، فرات، سیحان و جیحان دانسته است.^۴ او در حدیثی قدسی از امام باقر آورده که خداوند مهریه حضرت زهرا سلام الله علیها را یک پنجم دنیا، یک سوم بهشت و چهار نهر فرات، نیل، سیحان و جیحان اختصاص داد. نکته قابل توجه این است که هر دو حدیث از نظر سندی جزء روایات ضعیف به شمار می‌روند. از جمله دلایلی که برای ضعیف بودن سند این روایت ذکر شده این است که نام علی بن الحسین الکوفی که در صدر روایان این حدیث است در کتب رجالی نیامده و تنها شیخ صدوق^۵ یک بار یک حدیث از پدر او نقل کرده است.^۶ علاوه بر این، ابن شهر آشوب نیز در ضمن حدیث مفصّلی از امام محمدباقر، چهار رود فرات، نیل، نهروان و رود بلخ را از آن حضرت زهرا معرفی کرده است.^۷ علامه مجلسی نیز در جلد سوم بحارلأنوار، همین روایت را درباره مهریه ایشان آورده است.^۸ در نقلی دیگر، رودهای فرات، دجله، نیل و رود بلخ، بخشی از مهریه بانو فاطمه زهرا دانسته شده است.^۹

۳-۵- زمینه‌های اشتراک مهریه آب و اسطوره آناهیتا

از نظر شیعیان، بانو فاطمه، سیده نساء العالمین، مقام عصمت دارد و مصون از گناه و اشتباه است.^۹ برای اثبات این باور نیز به ادله گوناگون تمسک جسته‌اند؛ از جمله به آیه مباهله و آیه تطهیر اشاره کرده و بر این باور هستند که نخستین گزارش تاریخی درباره مقام عصمت ایشان به زمان پس از رحلت پیامبر ص و به ماجرای مصادره فدک برمی‌گردد که در آن امام علی ع بر اساس آیه تطهیر به معصوم بودن حضرت زهرا اشاره کرده است.^{۱۰} بر اساس آیه تطهیر، عصمت به معنای بری بودن از هرگونه پلیدی است؛ چرا که در این

۱- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ۸۵۰

۲- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۳۵۱

۳- کلینی، الکافی، ۳۷۸

۴- خصیبی، الهدایة الکبری، ۱۱۳

۵- رفعت، «تحلیل لنتقادی احادیث مهریه معنوی حضرت فاطمه زهرا»، ۸۳

۶- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۳۵۱

۷- س.ک. مجلسی، بحارلأنوار، جلد ۴۳، ۱۱

۸- سحرانی، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الایات و الاخبار و الاقوال، ۳۵۹

۹- مفید، الامالی، ۸۸

۱۰- صدوق، علل الشرایع، ۱۹۲

آیه، «الرَّجَسَ» (به معنای پلیدی) با «الف و لام جنس» آمده و از این رو، هرگونه پلیدی ظاهری و باطنی را شامل می‌شود.^۱ در حدیثی از امام باقر، خداوند در عالم میثاق، فاطمه س را از خون حیض قطع کرد.^۲

بنابر آنچه آمد، بانو فاطمه در سنت شیعی، زنی پاک از هر نوع پلیدی و آلودگی (ظاهری و باطنی) و نیز سرور زنان جهانیان به شمار می‌رود. این باور بیش از هر چیز یادآور ایزدبانو آناهیتا است. چرا که عصمت به معنای دوری از هر آلودگی، مفهوم بی‌آلایش در نام «آناهیتا» و صفت «سیده نساء العالمین» نیز مقام ایزدبانویی را فرا یاد می‌آورد. آناهیتا علاوه بر این که دور از آلودگی است، پالاینده نطفه نرها، تطهیرکننده رحم مادینه‌گان است و با صفت‌هایی چون رخشان و پاک توصیف می‌شود. این پاکی در تعهد پاکدامنی کاهنه‌های آناهیتا نیز نمود می‌یافت. ایزدبانو آناهیتا را می‌توان ایزد آب‌ها، باران، عشق، مادری و نماد کمال زن ایرانی دانست.^۳ به بیانی دیگر، وصف بانو فاطمه سلام الله علیها با صفت عصمت و دوری ایشان از هر گونه آلودگی ظاهری و باطنی، یاد اسطوره آناهیتا و بی‌آلایشی و پاکی این ایزدبانو را در ذهن زنده می‌کند. شباهت‌های آناهیتا و بانو فاطمه را می‌توان در جدول زیر به وضوح دید:

آناهیتا	فاطمه
ایزدبانو	سید زنان جهان
بی‌آلایش	مقام عصمت

ارتباط تنگاتنگ آناهیتا با آب و رودها از یک سو و جایگاه تقدس گونه آب در اساطیر زمینه برقراری ارتباط بانو فاطمه با آب را فراهم کرده است. آب در نزد ایرانیان از آن چنان جایگاهی برخوردار بود که دور از دستبرد اهریمن دانسته می‌شد^۴ و مردم از استحمام در رود و انداختن چیزهای ناپاک در آن دوری می‌کردند.^۵ بر این اساس، ایزدبانوی بی‌آلایش که صاحب آب‌ها یا نگاهبان رودها بوده، در شخصیت یک زن با مقام عصمت که مهریه اش رودهای چهارگانه فرات، نیل، سیحون و جیحون است، بازیابی می‌شود. زندگی مبتنی بر کشاورزی و دامداری، اهمیت آب و را دو چندان می‌کند. برای مردمانی که به این نوع از زندگی خو گرفته‌اند، ایزدبانوی آناهیتا به واسطه پیوندی که با آب داشت، از جایگاهی انکارناشدنی برخوردار بود. ارتباط یکی از شخصیت‌های اسلامی که از قضا بانو بوده و از طریق مهریه معنوی رودها با آب پیوند دارد و با استناد به آیه تطهیر، به مقام عصمت و پاکی رسیده، زمینه عیقی را برای پذیرش قداست و جایگاه بالای حضرت فاطمه را برای ایرانیان، فراهم ساخته است. گویی ایرانیان، آناهیتا را با خویشکاری‌های مرتبط با پاکی و آب در یک شخصیت تاریخ اسلامی بازیافته و مجسم دیده‌اند.

نکته قابل ذکر این است که در بررسی اسطوره آناهیتا این است که اگر از نظر پژوهشگران بگذریم و به متونی رجوع کنیم که می‌توان ویژگی‌های آناهیتا را در آن پیگیری کرد، در پیوند آناهیتا با آب، از رودهای مشخص نام برده نشده و به طور کلی از رودها یا هزاران رود سخن به میان رفته است. در مقابل، در حدیث مهریه آب به چهار رود نیل، فرات، سیحان و جیحان برمی‌خوریم. نیل

^۱ - طباطبایی، تفسیر المیزان، ۳۱۲.

^۲ - کلینی، الکافی، ۴۲۵.

^۳ - هینلز، شناخت اساطیر ایران، ۷۹-۸۰.

^۴ - قرشی، آب و کوه در اساطیر ایرانی، ۲۰۷.

^۵ - استرابو، جغرافیای استرابو، ۳۲۵.

طولانی‌ترین رود جهان است که در شمال شرقی آفریقا در سرزمین مصر قرار دارد.^۱ فرات نیز در کنار دجله، مهمترین عامل حاصلخیزی بین‌النهرین به شمار می‌رود.^۲ جیحان یا جیحون یا آمودریا، مهمترین رود پرآب آسیای میانه است که از وخان به ناحیه بلور می‌رود تا به ختلان، تخارستان، بلخ، چغانیان، خراسان و ماوراءالنهر برسد.^۳ سیحون نیز رودی است که از نظر عمق و عرض، از جیحون کوچکتر است و در جنوب شرقی آسیای میانه قرار دارد.^۴ پراکندگی این رودها در حدیث مورد نظر، قابل توجه است؛ دجله و فرات در عراق عرب، نیل در مصر، جیحون در ماوراءالنهر و سیحون در آسیای میانه می‌توانند نماینده این مناطق باشند و یک گستره جغرافیایی از آسیای میانه تا شمال آفریقا را در بر بگیرد؛ چرا که هر پنج رود، مهمترین رودها در مناطق مذکور است؛ چنان که احوص نیز در بیت زیر نام رودها را برای نشان دادن گستره قدرت ممدوح خود به او نسبت می‌دهد:

يُجَبِّي لَهُ بَلْحُ وَ دَجْلَهُ كُلُّهَا / وَ لَهُ الْفُرَاتُ وَ مَا سَقَى وَ النَّيْلُ

[همه بلخ و دجله و فرات و سرزمین‌های فرات و نیل زیر خراج اوست.]

خاستگاه این ناهمسانی را می‌توان در ذات اسطوره‌ای آن‌ها و شخصیت تاریخی بانوفاطمه جستجو کرد؛ از سوی دیگر، گنجاندن رودهای پنجگانه در مهریه بانوفاطمه سلام الله علیها نیز می‌تواند حاکی از فضیلت و برتری ایشان باشد، آن چنان که مهمترین رودها در پنج منطقه در تملک صاحب مهریه قرار دارد. در واقع، می‌توان، این پنج رود را دال بر همه رودها و مهریه حضرت فاطمه را نیز فراتر از این پنج رود دانست. گزاره‌ای که در طول زمان گسترده‌تر شد و در شعر فارسی، به صورت مطلق، به مهریه آب تبدیل شد. تا جایی که ناصرالدین شاه قاجار در بیتی در رثای سالار شهیدان، چنین سرود:

آب، مهریه زهرا و تولب تشنه دهی جان

مصلحت بود ندانم چه در این کار، قضا را.^۵

بنا بر آن چه گفته شد، ایزدبانو آن‌ها و پیوندی ناگسستی با رودها و نیز پاکی دارد، در شخصیت بانوفاطمه سلام الله علیها بازیابی شده و پیوند آن‌ها با رودها در مهریه آب پیگیری شده است. بنابراین، جدول همسان‌پنداری اسطوره آن‌ها و بانوفاطمه را باید اینگونه کامل کرد:

فاطمه	آن‌ها
سید زنان جهان	ایزدبانو
مقام عصمت	بی‌آلایش
مهریه رودها	ارتباط با رودها

^۱ - یاقوت حموی، معجم البلدان، ۳۳۴

^۲ - حمیری، الروض المعطار فی خبر الاقطار، ۷۳

^۳ - حدود العالم من المشرق الی المغرب، ۱۴۵

^۴ - منصور، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «سیحون».

^۵ - محدثی، فرهنگ عاشورا، ۳۵۹.

۵- نتیجه‌گیری

اسطوره به عنوان یک پدیده فرهنگی هیچ‌گاه نابود نمی‌شود؛ بلکه با شرایط سیاسی و اجتماعی تطبیق پیدا می‌کند و در شکل و صورتی دیگرگون بازآفرینی می‌شود. آناهیتا ایزدبانویی است که یادگاری از دوران مادرسالاری بشر به شمار می‌رود. دگردیسی این اسطوره در چند مرحله انجام گرفته است؛ نخست از جایگاه والای خود که در کنار اهورامزدا و مهر پرستش می‌شده، تنزل یافته و دچار کاهش ارزش شد. در مرحله دوم، با ورود اسلام به ایران، زمینه فرهنگی-اجتماعی متفاوتی به وجود آمد. از آن جایی که جامعه ایران به یکباره و به صورت دفعی، اسلام را نپذیرفت و فرآیند مسلمان شدن ایرانیان تا چند قرن به طول انجامید، فرصت بازبانی آناهیتا در باورها و شخصیت‌های اسلامی پیش آمد. به بیانی دیگر، برخورد و تبادل فرهنگی و اجتماعی ایرانیان زرتشتی با ایرانیان مسلمان در جغرافیای ایران به صورت گسترده شکل گرفت. همین تبادل فرهنگی، سرآغاز بازبانی آناهیتا در دوره جدید بود. علاوه بر این، نهضت شعوبیه به عنوان واکنشی در برابر بی‌عدالتی قومی بنی‌امیه و پافشاری بر برتری نژاد ایرانی، بستر بازآفرینی باورهای ایران پیش از اسلام را آماده‌تر کرد. بانو فاطمه زهرا سلام الله علیها از این منظر که سید زنان جهان است و مقام عصمت دارد، بیشترین همسانی را با ایزدبانوی آناهیتا داشت که پاکی را در نام خود فریاد می‌آورد. هرچند احادیث مهریه آب، عمدتاً از نظر سندی، ضعیف به شمار می‌روند، همسانی محتوای این روایات با خویشکاری‌های آناهیتا را می‌توان زمینه‌ای برای پذیرفتن آن و بازبانی اسطوره آناهیتا در بستر باورهای دین اسلام دانست. بنابراین، ارتباط این ایزدبانو با رودها در حدیث مهریه آب پیگیری شد و روده‌های دجله، فرات، جیحون، سیحون و نیل به عنوان مهریه آسمانی بانو فاطمه از سوی خداوند در نظر گرفته شد. در واقع، نسبت دادن روده‌های پنج‌گانه به ایشان در قالب مهریه آسمانی، علاوه بر آن که یادآور ویژگی دیگری از آناهیتاست، به دلیل پراکنندگی جغرافیایی این رودها، فضیلت و برتری صاحب این مهریه نیز به ذهن متبادر می‌شود.

کوتاه سخن این که اهمیت نقش زن و مادر در فرهنگ ایران پیش از اسلام و تبلور آن در ایزدبانوی آناهیتا و نیز پیوند این اسطوره با آب، سبب شد تا ایرانیان در قالب تعالیم تشیع، ضمن پذیرش جایگاه و نقش بی‌بدیل فاطمه زهرا از نظر عصمت و پاکی، پیوند ایشان با آب و رودخانه‌ها را باور داشته باشند؛ اگر چه روایات مربوط به این موضوع از استحکام و استناد کافی برخوردار نباشد.

منابع

- ابن اثیر، علی بن محمد. *الکامل فی التاریخ*. برگردان سیدمحمدحسین روحانی، تهران: اساطیر، ۱۳۷۰
- ابن خردادبه. *المسالك و الممالک*. ترجمه دکتر حسین قره چانلو، چاپ اول، تهران: چاپخانه مهارت، ۱۳۷۰
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. *مناقب آل ابی طالب*. چاپ اول، قم: علامه، ۱۳۷۹
- استرابو. *جغرافیای استرابو*. ترجمه همایون صنعتی‌زاده. تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار، ۱۳۸۲
- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم. *اسطوره، بیان نمادین*. تهران: سروش، ۱۳۷۷
- الیاده، میرچا. *چشم‌انداز اسطوره*. ترجمه جلال ستاری، تهران: اساطیر، ۱۳۶۲

- _____ . اسطوره، رویا، راز. ترجمه رویا منجم. تهران: فکر روز، ۱۳۸۱
- بحرانی، عبدالله بن نورالله. عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الايات و الاخبار و الاقوال. قم: مؤسسه الامام المهدي، ۱۳۸۷
- بجنوردی، سیدمحمدکاظم و دیگران. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی، بی تا
- بهار، مهرداد. پژوهشی در اساطیر ایران. چاپ چهارم، تهران: آگه، ۱۳۸۱
- پاکدل، مسعود. «نگاهی به بازتاب بنیان‌های کیش آناهیتا در داستان بیژن و منیژه». فصلنامه زبان و ادب فارسی، ۱۲(۴۵)، ۱۳۹۹: ۱-۱۶.
- پورداود، ابراهیم. آناهیتا، پنجاه گفتار پورداود، به کوشش مرتضی گرجی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶
- _____ . یشت‌ها. به کوشش بهرام فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۷
- دومزیل، ژرژ. اسطوره و حماسه در اندیشه ژرژ دومزیل. ترجمه جلال ستاری. چ ۲. تهران: مرکز، ۱۳۸۵
- رستگارفسای، منصور. پیکرگردانی در اساطیر. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲
- رضایی، عربعلی (۱۳۸۲). واژگان توصیفی ادبیات انگلیسی-فارسی. تهران: فرهنگ معاصر
- رفعت، محسن. «تحلیل انتقادی احادیث مهریه معنوی حضرت فاطمه زهرا». دوفصلنامه علمی مطالعات قرآن و حدیث، سال چهاردهم، شماره اول (پیاپی ۲۷)، ۱۳۹۹: ۷۵-۱۰۶
- _____ . حدود العالم من المشرق الى المغرب. تصحیح و حواشی دکتر مریم میراحمدی و دکتر غلامرضا ورهرام. تهران: دانشگاه الزهرا، ۱۳۸۳
- حمیری، محمد بن عبدالمنعم. الروض المعطار فی خبر الاقطار. بیروت: مکتبه لبنان، ۱۹۸۴
- خصیبی، حسین بن حمدان. الهدایه الکبری. بیروت: البلاغ، ۱۴۱۹
- ستاری، جلال. سیمای زن در فرهنگ ایران. تهران: مرکز، ۱۳۷۵
- ستاری، رضا و خسروی، سوگل. «بررسی خویشکاری‌های آناهیتا و سپندارمذ در اسطوره و پیوند آن با پیشینه مادرسالاری». فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، ۹ (۴)، ۱۳۹۲: ۵۷-۷۸
- سرکاراتی، بهمن. سایه‌های شکارشده. تهران: قطره، ۱۳۷۸
- صافی، حامد، قائمی، فرزاد، پورخالقی، مهدخت، بامشکی، سمیرا. «بررسی داستان کیومرث در شاهنامه و تواریخ عربی متأثر از سیرالملوک ها بر اساس فزون‌متنیت ژنت». متن شناسی ادب فارسی، ۸ (بهار ۱۳۹۵): ۱۷-۳۴.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه. علل الشرایع. چاپ اول، قم: کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۵
- قرشی، امان‌الله. آب و کوه در اساطیر ایرانی. تهران: هرمس، ۱۳۸۹
- طباطبایی، محمد حسین. تفسیر المیزان. جلد ۱۶، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۰
- کرین، هلنری. اسلام ایرانی. جلد چهارم، بخش دوم. چاپ دوم، تهران: نشر سوفیا، ۱۳۹۹
- کریستین سن، آرتور. نخستین انسان و نخستین شهریار. ترجمه ژاله آموزگار. تهران: چشمه، ۱۳۸۹

- کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷
- محدثی، جواد. فرهنگ عاشورا. قم: نشر معروف، ۱۳۷۴
- محمدی ملایری، محمد. فرهنگ ایرانی و تأثیر آن در تمدن اسلام و عرب. تهران: چاپخانه پیمان، ۱۳۲۳
- _____ . ادب و اخلاق در ایران پیش از اسلام و چند نمونه از آثار آن در ادبیات عربی و اسلامی. تهران: انتشارات ادراة کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۲
- _____ . تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی. جاد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۹
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. بحار الانوار. جلد ۴۳، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۳
- مختاریان، بهار. درآمدی بر ساختار اسطوره‌ای شاهنامه. چاپ اول، تهران: نشر آگه، ۱۳۸۹
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان. الامالی، تحقیق حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳
- مقدسی، محمد بن طاهر. البدء و التاریخ. القاهرة: مکتبه الثقافه الدینیة، ۱۴۲۰
- معینی سام، بهزاد و خسروی، زینب. «پیوند اناهیتا و ایشترا بابلی». مجله مطالعات ایرانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال دهم، شماره بیستم، (۱۳۹۰): ۳۱۹-۳۳۰
- نیبرگ، هنریک ساموئل. دین‌های ایران باستان. ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی، چاپ اول، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۸۳
- ویدن گرن، گنو. دین‌های ایران. ترجمه منوچهر فرهنگ، چاپ دوم، تهران: انتشارات آگاهان ایده
- همایی، جلال‌الدین. شعوبیه. اصفهان: نشر صائب، ۱۳۶۳
- هینلز، جان. شناخت اساطیر ایران. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: چشمه، ۱۳۹۳
- یاقوت حموی، شهاب‌الدین. معجم البلدان. بیروت: دار صادر، ۱۹۹۵

-Bartolomae, Christian. Altiranisches Wörterbuch. Berlin, 1961

- Boyce, Mary. *A History of Zoroastrianism*, vol. 1: The Early Period, Leiden/ Köln: Brill, 1975

-Richelt, Hans. *Avesta Reader. Text. Notes. Glossary and Index*. Strassburg, 1986

-Fry, N "Archetapal Criticism: Theory of Myth", in: *Anatomy of Criticism*, Princeton,(1957): PP 131-

